

رویکردهای نوین در تعیین دادگاه صلاحیتدار در دعاوی مالکیت فکری در حقوق بین‌الملل خصوصی

نیلوفر نظریانی*

چکیده:

در دنیای امروز ثمره فکری افراد اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده است. برخلاف گذشته‌ها که قواعد حقوقی اهتمام بیشتر خود را برای حمایت از اموال فیزیکی افراد می‌ورزیدند، دستاوردها و اموال فکری افراد اهمیت روزافزونی یافته است. دعاوی مطرح‌شده در مورد این موضوع به‌ویژه اگر دارای عنصر خارجی باشد، وارد بحث حقوق بین‌الملل خصوصی می‌شود که بسیار محل بحث دکترین حقوقی قرار گرفته است. دکترین‌های جمعی بین‌المللی در این زمینه در سال‌های اخیر به این موضوع پرداخته‌اند. این مقاله سعی بر آن دارد که به رویکردهای مختلف مطرح‌شده در این اسناد بپردازد. یک رویکرد به دادگاه‌ها توصیه می‌کند که در مواردی به دلیل نامناسب بودن دادگاه و عدم ارتباط کافی صلاحیت خود را در پرونده رد نمایند. در حالی که رویکرد جدیدتر حاکی از آن است که باید اختلاف در صلاحیت بین دولت‌ها با همکاری بین‌المللی و توجه به دادگاه‌های دیگر کشورها حل‌وفصل گردد. با کمتر شدن نقش حاکمیت دولت‌ها در حوزه مالکیت فکری در طول تاریخ، به نظر می‌رسد که رویکرد دوم با توجه بیشتر به بحث فردگرایی و شیوه حقوقی (درمقابل شیوه اصولی) در تدوین مقررات صلاحیت دادگاه در حوزه مالکیت فکری، اهمیت افزون‌تری پیدا کند.

کلیدواژه‌ها:

حقوق مالکیت فکری، دادگاه صلاحیتدار، اختلاف، واپس، دکترین.

مقدمه

بی‌شک یکی از مباحث نوین در حقوق خصوصی حمایت از دستاوردهای فکری افراد و به عبارتی حقوق مالکیت فکری است. این حمایت در پرتو افزایش ارتباطات بین‌المللی جنبه بین‌المللی به خود گرفته است. به بیان دیگر وجود عنصر خارجی در پرونده‌های مالکیت فکری مسئله روزافزون و مبتلابه‌ی است. حق کپی‌رایت، حق اختراع، طرح صنعتی، علائم تجاری و حق حفظ اسرار از مهم‌ترین موضوعاتی است که در زمره حقوق مالکیت فکری در حقوق داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد حمایت قرار می‌گیرند.

در حقوق بین‌الملل خصوصی اولین مبحثی که باید توسط دادگاه، قبل از تعیین قانون حاکم و صدور حکم مشخص شود، موضوع صلاحیت است که با عنوان تعارض صلاحیت‌ها از آن یاد می‌شود. در بسیاری از حقوق داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد این امر خلأ و یا قوانین نامناسبی وجود دارد.

این خلأ در حوزه بین‌المللی بسیار بیشتر است زیرا تاکنون هیچ کنوانسیون عامی در مورد حمایت از حقوق مالکیت فکری و تعیین دادگاه صلاحیتدار وجود ندارد و هنوز هم مراجع ملی نقش اصلی در حل و فصل اختلافات ناشی از این دعاوی را برعهده دارند؛ بنابراین دکترین‌هایی در سطح بین‌المللی به‌عنوان راهنما مطرح شده‌اند که دولت‌ها در تدوین قوانین داخلی خود از آنها استفاده کنند.

اینکه یک دادگاه برای تصمیم‌گیری راجع به دعاوی مالکیت فکری صلاحیت دارد یا خیر، بر اساس قانونی تشخیص داده می‌شود که آن دادگاه در آنجا واقع شده است. این تعیین صلاحیت علاوه بر قانون داخلی، ممکن است توسط کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز تحت تأثیر قرار گیرد. در پرونده‌های بین‌المللی حقوق مالکیت فکری ممکن است بیش از یک دادگاه صلاحیت رسیدگی به اختلاف را داشته باشند و بدین ترتیب در عمل خواهان می‌تواند بین چند دادگاه دست به انتخاب بزند.

باتوجه به وجود تعدد دادگاه‌های صلاحیتدار در این زمینه و اختلاف قوانین داخلی کشورها و نیز مشکلاتی که در مورد شناسایی احکام صادره ممکن است پیش آید، تعیین دادگاه صلاحیتدار در مورد دعاوی مالکیت فکری با پیچیدگی و دشواری‌هایی همراه است و از نظر حقوقی دارای اهمیت است. چراکه انتخاب دادگاه نامناسب خود می‌تواند موجب اطاله دادرسی، دادرسی ناعادلانه، عدم شناسایی و اجرای احکام صادره شود.

در این مقاله سعی بر آن بوده که بررسی جامعی از دکترین‌هایی که تا سال ۲۰۱۷ توسط نهادهای بین‌المللی پیشنهاد شده است، برای رسیدن به رویکرد منطقی نسبت به تعیین دادگاه‌های صلاحیتدار به عمل آورد. با توجه به این امر که در حقوق بین‌الملل خصوصی در زمینه مالکیت فکری تاکنون کنوانسیون عام و جهانی تصویب نشده و همچنان قوانین مختلف و متفاوت کشورها مبنای استناد دادگاه‌هاست، چاره‌ای جز استناد به حقوق نرم و غیرالزام‌آور بین‌المللی در این برهه زمانی نداریم. از سویی دیگر نباید اهمیت این اسناد غیرالزام‌آور را نادیده گرفت چراکه در موارد زیادی حقوق بین‌الملل شاهد این امر بوده است که همین اسناد غیرالزام‌آور مورد توجه و استقبال دولت‌ها قرار گرفته و کم‌کم از طریق عرفی شدن و یا تصویب معاهدات به قاعده الزام‌آور در حقوق بین‌الملل تبدیل شده‌اند. نمونه بارز این امر پیش‌نویس طرح مسئولیت دولت ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل است که بعد از گذشت چند سال دولت‌ها عملاً به مقررات آن استناد نموده و امروزه تقریباً همه قواعد آن به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی الزام‌آور شده‌اند.

۱- صلاحیت دادگاه‌ها در حقوق مالکیت فکری

در بررسی پرونده‌هایی با یک عنصر خارجی، اولین مسئله‌ای که باید مورد بررسی قرار گیرد، قابلیت اعمال صلاحیت آن دادگاه است. به عبارت دیگر آیا یک دادگاه اختیار رسیدگی را به یک اختلاف دارد یا خیر؟ یکی از مهم‌ترین مسائل در پرونده‌های مربوط به مالکیت فکری تأثیر بالقوه اصل سرزمینی بودن حقوق اموال فکری در اعمال صلاحیت بین‌المللی است. با علم به وجود تفاوت‌های اساسی بین حقوق موضوعه کشورهای مختلف، راه‌حلی را که اخیراً در این مورد توسط نهادهای گوناگون بین‌المللی پیشنهاد شده بود، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

برای جلوگیری از شرايطی که دادگاه‌ها صلاحیت بر پرونده‌ای را اعمال کنند که ارتباط نزدیکی با دولت مقرر دادگاه ندارد مکانیسم‌های مختلفی توسط نهادهای بین‌المللی پیشنهاد شده است. شرط ارتباط اساسی یکی از مهم‌ترین آنهاست.

شرط ارتباط اساسی که توسط برخی از این نهادها بیان شده است، بدین معناست که باید بین طرف‌های دعوا یا اختلاف و دولت مقرر دادگاه رابطه اساسی وجود داشته باشد.^۱

1. Toshiyuki Kono (ed), *Intellectual Property and Private International Law: Comparative Perspectives* (Oxford: Hart, 2012), 24; The American Law Institute, *Intellectual Property: Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law and Judgments in Transnational Disputes*

پیش‌نویس لاهه ۲۰۰۱ دلایلی را که ناکافی برای اعمال صلاحیت بین‌المللی هستند، برمی‌شمرد. دلیل انتخاب این روش سلبی این است که در ماده ۱۷ این پیش‌نویس، دادگاه‌ها می‌توانند طبق حقوق داخلی دولت مقر دادگاه صلاحیت خود بر اختلاف را اعمال کنند؛ بنابراین پیش‌نویسان، پیش‌بینی وجود درجه‌ای از محدودیت در مورد اعمال صلاحیت دولت‌ها بر پرونده‌هایی که رابطه اساسی با دولت مقر دادگاه را ندارد، ضروری دانستند.

رویه بعدی نهادهای بین‌المللی نیز حاکی از این بود که تلاش کردند فاکتورهایی را برشمرند که برای اعمال صلاحیت بر اختلاف کافی نیست.^۲ این عوامل و فاکتورها در بین طرح‌های پیشنهادی نهادهای مختلف بین‌المللی یکسان است. این عوامل عبارت‌اند از:

۱- سکونت خوانده^۳ در کشور طرف معاهده دلیلی برای اعمال قوانین داخلی دولت متعاقد نیست؛

۲- صلاحیت دادگاه‌های دولت طرف معاهده تنها بر مبنای یک یا چند از این عوامل نباید اعمال شود؛

الف) وجود یا ضبط اموال متعلق به خوانده در دولت طرف معاهده بجز در مواردی که اختلاف به‌طور مستقیم به آن مال مربوط باشد؛

ب) تابعیت شاکی؛

ج) تابعیت خوانده؛

د) اقامت، سکونت دائمی یا موقت، یا حضور شاکی در آن دولت؛

ه) انجام فعالیت‌های تجاری یا دیگر فعالیت‌ها در آن دولت، بجز در جایی که اختلاف به‌طور مستقیم مربوط به آن دعواست؛

و) ابلاغ دعوا به خوانده در آن دولت؛

(Oxford: Chestnut, ALI Publishers, 2008), 235; Hague Conference on Private International Law, Preliminary Draft Convention on Jurisdiction and Foreign Judgments in Civil and Commercial Matters, drafts at <http://www.hcch.net/e/conventions/draft36e.html> (Oct. 30, 1999), Art 18(1), The Principles on International Intellectual Property Litigation approved by Korea Private International Law Association ('KOPIA Principles') on March 26th, 2010, Art 8(1).

2. The American Law Institute, op.cit, s. 207, The Principles of Private International Law on Intellectual Property Rights Finalized Jointly by Private International Law Scholars in Korea and Japan on October 14th (The Joint Japanese-Korean Proposal, Waseda Principles), 2010. Art 212. and KOPIA, op.cit, Art 8(2).

۳. مفهوم سکونت با اقامتگاه در حقوق متفاوت است و آستانه پایین‌تری از اقامتگاه است؛ بدین معنا که سکونت و زندگی کردن فرد می‌تواند یکی از فاکتورهایی باشد که برای تشخیص اقامتگاه فرد استفاده شود ولی به‌تنهایی تعیین‌کننده اقامتگاه فرد نیست. همچنین اقامتگاه یک نهاد حقوقی و جزء وضعیت فرد (که به همراه اهلیت جز احوال شخصیه است) است که آثار حقوقی بر آن بار می‌شود، درحالی‌که سکونت این‌گونه نیست.

ز) تعیین یک‌جانبه دادگاه توسط شاکی؛
 ح) رسیدگی در آن دولت برای اعلام قابلیت اجرا یا ثبت یا برای اجرای حکم بجز در مواردی که این اختلاف به‌طور مستقیم به چنین رسیدگی مربوط باشد؛
 ط) حضور یا سکونت موقت خوانده در آن دولت؛
 ی) امضای قرارداد در دولتی که اختلاف ناشی از آن مطرح می‌شود.

بقیه نهادهای بین‌المللی نیز دلایلی در مورد ناکافی بودن ادعای صلاحیت لیستی را همانند پیش‌نویس لاهه ارائه می‌دهند.^۴

مواد مشابهی که موارد ناکافی در مورد اعمال صلاحیت دادگاه را بیان نماید، در دیگر اسناد پیشنهادی قانونگذاری نیز آمده است.^۵

یکی از مباحث بحث‌انگیز این است که آیا قواعد صلاحیتی باید به شیوه‌ای مضیق به‌منظور رسیدن به قطعیت حقوقی نوشته شوند یا این قواعد باید انعطاف‌پذیر باقی باشند به‌صورتی که محلی را نیز برای صلاحیت دادگاه‌ها در مورد اینکه صلاحیت بر یک پرونده را ادعا کنند یا خیر، باقی گذارند. این مسائل اساسی ارتباط نزدیکی با رویکردهای نسبتاً متفاوت در پیشنهادی قانونگذاری توسط این نهادها دارند. در ذیل به بررسی این رویکردها می‌پردازیم:

۲- رویکرد اول: صلاحیدی

در پیش‌نویس لاهه سال ۲۰۰۱ و نیز اصول شفافیت ژاپنی و همچنین اصول مشترک کره‌ای و ژاپنی و همچنین اصول کره‌ای، مقررات خاصی با عنوان قواعد تکمیلی اختیاردهنده به دادگاه برای رد اعمال صلاحیت در موارد خاصی گنجانده شده است.

در این ماده به دادگاه این اجازه داده شده است که اعمال صلاحیت در پرونده‌های خاصی را نپذیرد. ماده ۲۲ با عنوان اوضاع و احوال استثنائی برای نپذیرفتن صلاحیت^۶، به دکتربین

4. The American Law Institute, op.cit, s 207, Art 212 Joint Japanese-Korean Proposal (Waseda Principle), op.cit, and Art 8(2) KOPIA.

5. Waseda, op.cit, s. 207; The American Law Institute, Art. 212, and KOPIA, op.cit, Art. 8(2), IIA, op.cit, Art 15.

6. Article 22 Exceptional Circumstances for Declining Jurisdiction, Hague Draft:

1. In exceptional circumstances, when the jurisdiction of the court seized is not founded on an exclusive choice of court agreement valid under Article 4, or on Article 7, 8 or 12, the court may, on application by a party, suspend its proceedings if in that case it is clearly inappropriate for that court to exercise jurisdiction and if a court of another state has jurisdiction and is clearly more appropriate to resolve the dispute. Such application must be made no later than at the time of the first defense on the merits;

دادگاه نامناسب^۷ که توسط دادگاه‌های کشورهای کامن‌لا توسعه یافته است^۸، شباهت دارد. این قاعده بیان می‌دارد که در شرایط استثنائی، دادگاه می‌تواند اگر به‌طور آشکار خود را نامناسب برای اعمال صلاحیت بداند با تقاضای یکی از طرف‌ها رسیدگی‌ها را معلق کند و اگر دادگاه دولت دیگری صالح به رسیدگی به پرونده است و آشکارا دادگاه مناسب‌تری برای حل و فصل اختلافات محسوب می‌شود، پرونده را به آن ارجاع دهد.

سند لاهه به فاکتورهای زیر اشاره می‌کند:

۱- هرگونه زحمت و سختی به دلیل محل سکونت طرف‌های دعوا؛
 ۲- ماهیت و محل قرار گرفتن ادله، اسناد و شاهدان و همچنین روند به‌دست آوردن این ادله؛

۳- محدودیت‌های قابل‌اعمال و مهلت زمانی مقرر شده؛

۴- امکان به‌دست آوردن شناسایی و اجرای هر تصمیمی در مورد ماهیت پرونده.
 دادگاه با توجه به شرایط بالا تا زمان تصمیم‌گیری قطعی، رسیدگی را تعلیق خواهد کرد. بدین ترتیب که اگر دادگاه کشور دیگری صلاحیت خود را اعمال کرد، از اعمال صلاحیت استنکاف می‌نماید ولی اگر دادگاهی دیگر به اعمال صلاحیت نپرداخت باید خود صلاحیتش را اعمال نماید.

همچنین دو سند پیشنهادی قانونگذاری توسط حقوق‌دانان ژاپنی شامل مقرراتی است که به دادگاه صلاحیت پذیرفتن صلاحیت بر پرونده را می‌دهد. ماده ۲۱۱ اصول مشترک کره‌ای و ژاپنی به معیار اوضاع و احوال خاص اشاره می‌کند که به دادگاه اجازه می‌دهد که هرگاه دریافت که رسیدگی به این پرونده به دادرسی منصفانه در مورد طرف‌های دعوا صدمه می‌زند یا مانع طی تشریفات قانونی یا محاکمه مناسب و معقول بشود، می‌تواند از رسیدگی به پرونده خودداری کند.

دکترین اوضاع و احوال خاص که به وسیله دادگاه‌های کره‌ای و ژاپنی توسعه یافته است، جایگاه خود را در قواعد جدید صلاحیت بین‌المللی پیدا کرد.

2. The court shall take into account, in particular
 - a) any inconvenience to the parties in view of their habitual residence;
 - b) the nature and location of the evidence, including documents and witnesses, and the procedures for obtaining such evidence;
 - c) applicable limitation or prescription periods;
 - d) The possibility of obtaining recognition and enforcement of any decision on the merits.
7. Forum Non Convenience
8. Cf Gulf Oil Coip v Gilbeite, 330 US 501 (1947).

پیش‌نویسان اصول ژاپنی شفافیت^۹ راجع به اهمیت دکترین اوضاع و احوال خاص در رویه دادگاه‌های ژاپن آگاه بودند؛ بنابراین اعضای کارگروه شفافیت محدودیت‌های بیشتری نسبت به معیار اوضاع و احوال خاص وارد کردند. بدین ترتیب ماده ۱۱۹ اصول شفافیت شکل مضیق‌تری از اوضاع و احوال خاص را تصویب نمود و به خطامشی منفعت عمومی^{۱۰} که به دادگاه ژاپن اجازه می‌دهد در صورتی که دولت‌های خارجی آشکارا برای اعمال صلاحیت مناسب‌تر هستند، از اعمال صلاحیت خود استنکاف نمایند.

مزیت این رویکرد استناد به رویکرد مطالعه غایت‌مدارانه^{۱۱} در حقوق است؛ بدین معنا که در بیان فاکتورها به این امر توجه داشته است که به غایت و هدف انتخاب دادگاه صالح در رسیدگی به پرونده‌های مالکیت فکری توجه شود. این اسناد با توسل به مکتب جامعه‌شناختی حقوقی که در حقوق بین‌الملل وجود دارد، سعی در ارتباط هرچه بیشتر جامعه و حقوق با یکدیگر داشته‌اند. ولی از سویی دیگر استناد این رویکرد به دکترین دادگاه نامناسب، دشواری‌هایی را برای وضع قوانین توسط دولت‌های رومی - ژرمنی در این زمینه ایجاد می‌کند چراکه در نظام حقوقی این کشورها پیدا نمودن استدلال حقوقی که به‌طور کامل جایگزین دکترین دادگاه نامناسب باشد به‌سختی صورت می‌گیرد.

با دقت در رویکرد دوم متوجه خواهیم شد که اسنادی که توسط حقوق‌دانان کشورهای ژاپنی و کره‌ای و پیش‌نویس کنوانسیون لاهه که کشورهای در حال توسعه نقش مهمی در تدوین آن داشته‌اند، مورد توجه کشورهای آسیایی و کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است.

۳- رویکرد دوم: همکاری

مؤسسه حقوق آمریکایی^{۱۲}، انجمن حقوق بین‌الملل^{۱۳} و اصول ماکس پلانک برای تعارض قوانین در مالکیت فکری^{۱۴} رویکرد نوینی را نسبت به سندهای توصیه‌ای بالا در پیش

9. 'Transparency of Japanese Law Project', with the Intention of Drafting a Proposal of Special Rules Dealing With Private International Law Aspects of IP, 2009.

10. Public - Interest Policy

11. Tele Logically

12. Dreyfuss, "The American Law Institute Project on Intellectual Property: Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law and Judgments in Transnational Disputes," in *Intellectual Property and Private International Law*, ed. S Leible, A Ohly (Tribingen: Mohr, 2009).

13. International Law Association Johannesburg Conference, "Intellectual Property and Private International Law," Johannesburg (2016), International Law Association Sofia Conference, "Intellectual and Private International Law," Sofia, (2012), International Law Washington Conference, "Intellectual Property and Private International Law," Washington, (2014).

گرفته‌اند. این پیشنهادها پیشرفت‌های قابل‌توجهی در پیشنهادهای قانونگذاری برای حل‌وفصل اختلافات مالکیت فکری مربوط به چند دولت را بیان کرده‌اند.

اصول شفاف‌سازی و پیشنهاد مشترک ژاپنی - کره‌ای در سایه اصلاحات قواعد آیین دادرسی بین‌المللی در ژاپن نوشته شد؛ بنابراین این دو سند پیشنهادی هنوز شامل قواعدی هستند که تا حدی صلاحدید را به دادگاه، در تصمیم‌گیری درمورد صلاحیت بین‌المللی می‌دهند. عدم قطعیت و مؤثر بودن راه‌حل صلاحیدیدی که در رویکرد اول بیان شد، موجب شد تا قواعد صلاحیدیدی با قواعد همکاری^{۱۵} جایگزین شود.

دو سند پیشنهادی مؤسسه حقوق آمریکایی و مؤسسه ماکس پلانک درمورد تعارض قوانین در مالکیت فکری از ماده ۲۲ پیش‌نویس ۲۰۰۱ لاهه دور شده است و به‌جای مقرر کردن قواعد خاصی درمورد صلاحدید دادگاه، مجموعه‌ای از مقررات صلاحیتی برای همکاری بین دولت‌ها در رسیدگی‌های مالکیت فکری چندجانبه دولتی را اضافه کرده است.^{۱۶}

۳-۱- دعاوی متقارن^{۱۷}

دعای متقارن دعوی‌هایی هستند که از حیث اصحاب دعوا و نیز منشأ (سبب) دعوا یکسان می‌باشند ولی در دادگاه‌های کشورهای مختلف مطرح شده‌اند.

بخش ۷ طرح پیشنهادی مؤسسه ماکس پلانک به همکاری در رسیدگی به پرونده‌ها بین دولت‌ها اشاره می‌کند. این طرح اشاره می‌کند که در دعاوی متقارن هر دادگاهی غیر از دادگاهی که ابتدا/رسیدگی به پرونده را شروع کرده است، جز در چند حالت استثنائی^{۱۸}، باید رسیدگی خود را متوقف کند. این استثناءها عبارت‌اند از:

- ۱- دادگاه دوم صلاحیت انحصاری طبق این اصول را داشته باشد؛
- ۲- حکم دادگاهی که ابتدا به پرونده رسیدگی می‌کند، آشکارا طبق این اصول موردسناسایی قرار نگیرد؛
- ۳- دادگاهی که در ابتدا به پرونده رسیدگی می‌کند در زمان معقول این کار را انجام ندهد؛
- ۴- دادگاه اولی که پرونده نزد آن مطرح شده است، تصمیم به عدم‌استماع پرونده بگیرد.

14. The European Max Planck Group on Conflict of Laws in Intellectual Property (CLIP), "Principles on Conflict of Laws in Intellectual Property," March 25, 2011, https://www.ip.mpg.de/fileadmin/ipmpg/content/clip/the_draft-clip-principles-25-03-20117.pdf.

15. Rules on Coordination

16. CLIP Principles, op.cit, Arts 2:701-2:706 and of the ALI Principles, op.cit, ss 221-223.

17. Congruent Proceedings

18. Ibid, Article 2:701.

۳-۲- دعاوی مرتبط^{۱۹}

دعاوی به هم مرتبط تلقی می‌شوند که چنان ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته باشند که استماع آنها با یکدیگر برای جلوگیری از ریسک صدور آرای متناقض بهتر باشد. در دعاوی مرتبط دادگاهی به غیر از دادگاه اول این اختیار را دارد که رسیدگی خود را متوقف کند. به عبارت دیگر هرگاه دعاوی مرتبط به یکدیگر در کشورهای مختلف مطرح شوند، دادگاه‌هایی غیر از دادگاهی که در ابتدا در حال رسیدگی به پرونده است، این اختیار را دارد که رسیدگی خود را متوقف نماید؛ به بیان دیگر الزامی به توقف دادرسی ندارد. این اصول فاکتورهایی را تعیین نموده است^{۲۰} که در جهت اتخاذ تصمیم در این زمینه باید مدنظر قرار گیرند:

۱- کدام دادگاه بهترین مکان برای رسیدگی به تمام جنبه‌های دعوا طبق این اصول است؟

۲- کدام دادگاه دارای نزدیک‌ترین ارتباط با دعواست؟

۳- سنجیدن مزیت‌های مؤثر بودن دادرسی متمرکز در مقابل مؤثر بودن همکاری بین دولت‌ها در مورد یک پرونده.

۳-۳- طرح دعوا در دادگاه دولت ثبت‌کننده

طبق طرح پیشنهادی مؤسسه ماکس پلانک اگر دادگاهی غیر از دادگاه اولی که دعوا در آن مطرح شده است، دولتی باشد که اموال دارای حقوق مالکیت فکری مانند حق اختراع، علامت تجاری و طرح صنعتی در آن ثبت شده است، دادگاهی که ابتدا رسیدگی به پرونده را برعهده داشته، می‌تواند رسیدگی را خاتمه دهد. به عبارت دیگر در مواردی که حقوق مالکیت فکری بر مبنای ثبت مورد حمایت قرار می‌گیرد، اولویت رسیدگی به دعوا راجع به آن با کشور محل ثبت آن است.^{۲۱}

۳-۴- موارد استفاده از رسیدگی‌های دادگاه دولت‌های دیگر

طرح مذکور در مواردی چند در خصوص دعاوی متقارن و دعاوی مرتبط به اعتبار رسیدگی‌های دادگاه‌های دولت‌های دیگر نزد دادگاه‌های دولت دیگر در مورد همان پرونده صحه گذاشته

19. Related Proceedings

20. Ibid, Article 2: 702.

21. CLIP Principles, op.cit. Article 2:703.

است؛ بدین معنا که دادگاه‌هایی که در حال رسیدگی به پرونده هستند، غیر از مسئله آیین دادرسی که امری شکلی و جزء قواعد آمره و اعمال حقوق سرزمینی هستند، می‌توانند در موارد زیر از رسیدگی‌های دادگاه‌های دولت‌های دیگر استفاده کنند:^{۲۲}

۱- ادله‌ای که در دیگر رسیدگی‌ها به دست آمده است؛

۲- یافته دادگاه دیگر در مورد اعتبار یا بی‌اعتباری حق مالکیت معنوی؛

۳- هر یافته دیگری از دادگاهی که در حال رسیدگی به پرونده است.

این طرح در نهایت نیز خاطرنشان می‌سازد که به منظور تسهیل همکاری و جلوگیری از صدور تصمیمات و آرای متناقض و ارتقای تأثیر رسیدگی‌ها در چند دولت، دادگاه‌ها باید با یکدیگر همکاری کنند. به‌ویژه همه اقدامات متناسب را برای فراهم نمودن اطلاعات برای دادگاه‌هایی که در حال رسیدگی به پرونده هستند، انجام دهند.

همان‌گونه که از مواد طرح ماکس پلانک استنتاج می‌گردد، در رسیدگی‌های مربوط به حقوق مالکیت فکری چه‌بسا چند دادگاه صالح به رسیدگی باشند و در بسیاری از موارد، این طرح، دادگاهی را ملزم به توقف دادرسی نمی‌نماید، بلکه بر این نظر است که یک پرونده چه‌بسا در چند دولت به صورت مجزا مطرح شود ولی دولت‌ها باید باتوجه به اصل همکاری با یکدیگر و توجه به مسئله دادگاه متناسب این مسئله را بین خود حل و فصل نمایند.

مسئله قابل توجه این است که راه حل رویکرد اول به طور کامل در این رویکرد رد نشده است؛ بلکه فاکتور نزدیک‌ترین ارتباط با دولت مقر دادگاه همواره یکی از مسائلی است که باید مورد توجه دادگاه‌هایی که دعوا نزد آنان مطرح شده است، قرار گیرد.

این سند یک اصل را سرلوحه کار خود برای تعیین دادگاه صالح قرار داده است و آن تقدّم زمانی دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده است؛ بدین معنا که هرگاه دادگاهی سریع‌تر رسیدگی به یک پرونده را آغاز کند، صالح به رسیدگی است. در کنار این اصل ما شاهد اصول دیگری هستیم که مدنظر قرار گرفته‌اند؛ اصولی همچون توجه به رسیدگی در مدت زمان معقول به پرونده که یکی از عناصر دادرسی منصفانه^{۲۳} است و نیز توجه به مسئله شناسایی احکام باعث مناسب‌تر شدن دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده می‌شود.

این رویکرد تلاش نموده است تا به جای توجه به صلاحدید و تصمیم‌گیری فردی دولت‌ها در زمینه اعمال صلاحیت خود، روش همکاری محوری را بین دولت‌ها ایجاد کند؛ بدین معنا که

22. CLIP Principles, op.cit. Article 2:704.

23. Fair Trial

درمورد پرونده‌هایی که ممکن است چندین دولت طبق قوانین داخلی خود با آنها ارتباط داشته باشند (امری که اجتناب‌ناپذیر است) هدف تعیین دادگاه صالح را حل‌وفصل سریع‌تر و عادلانه‌تر اختلاف بیان کنند و به منافع فردی افراد در یک پرونده بیش از منافع و مصالح دولت (که در رویکرد اول در اولویت بود) توجه نشان دهند. اهمیت توجه به رویکرد همکاری‌مآبانه در حقوق بین‌الملل بسیار زیاد است که چراکه اگر برای تنظیم قواعد بین‌المللی از طریق همکاری بین دولت‌ها عمل شود، نتایج بهتر و سریع‌تری را شاهد خواهیم بود. به عبارت دیگر مهم‌ترین تفاوت رویکرد اول و دوم در صلاحیددی و همکاری‌محور بودن آنهاست.

۴- رویکرد وایپو

وایپو به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی که رسالت اصلی آن هماهنگ‌سازی قوانین کشورها درمورد مالکیت فکری است، در سال ۲۰۱۷ سند راهنمایی را با عنوان ارتباط بین حقوق مالکیت فکری و حقوق بین‌الملل خصوصی منتشر کرده است.^{۲۴} این سند البته توسط کارشناسان و گزارشگران وایپو در کمیته مشورتی ارائه شده است و لزوماً به‌معنای نظر نمایندگان دولت‌ها و یا دولت‌های عضو وایپو در این زمینه نمی‌باشد؛ بنابراین این سند همچون دیگر اسناد گفته‌شده در بالا به‌معنای حقوق موجود و حقوق سخت در این زمینه نیست بلکه پیشنهاداتی است که توسط متخصصان به دولت‌ها برای وضع قانون داخلی و نیز تصویب کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در این زمینه داده شده است.

در چکیده این سند آمده است که هدف و نیت نویسندگان آن ارائه راهنما برای قوه قضائیه و کسانی است که در زمینه اعمال حقوق بین‌الملل خصوصی در دعاوی مالکیت فکری فعالیت می‌کنند و با رویکردی عمل‌گرایانه تدوین گردیده است که قضات و حقوق‌دانان تصمیمات شایسته‌ای را در این زمینه اتخاذ کنند.

در این سند بیان می‌دارد که رویکرد معمول^{۲۵} در زمینه انتخاب دادگاه صالح، کشور محل اقامت خوانده است و این امر را به‌عنوان اصل اولیه در این زمینه می‌پذیرد؛ اما در صورتی که

24. Executive summary of the draft Guide on the Intersection between Intellectual Property Law and Private International Law, to be published by the Hague Conference on Private International Law (HCCH) and the World Intellectual Property Organization (WIPO), WIPO/ACE/12/7 REV. The draft Guide is available (in English) at:

http://www.wipo.int/meetings/en/doc_details.jsp?doc_id=382036.

25. A Common Approach

خواننده در کشورهای مختلف اقامتگاه داشته باشد، باید ارتباط کافی بین اختلاف و دولت وجود داشته باشد.^{۲۶} این سند برخلاف اسناد دیگر به دلایل ناکافی بودن برای ادعای صلاحیت دادگاه اشاره نمی‌کند و بالعکس به فاکتورهایی می‌پردازد که در صورت وجود آنها دادگاه صالح به رسیدگی به این پرونده است. این فاکتورها حصری نیستند و صرفاً به‌عنوان مثال بیان شده‌اند:^{۲۷}

- منشأ دعوا در دولت مقرر دادگاه ایجاد شده باشد؛
 - نقض قرارداد در دولت مقرر دادگاه رخ داده باشد یا قرارداد در آنجا منعقد شده باشد یا قانون حاکم بر آن باشد؛
 - دعوا در مورد اموال دولت مذکور باشد؛
 - در مورد نقض قانون آن دولت باشد؛
 - در مورد عمل شبه‌جرمی باشد که در آن دولت ارتکاب یافته یا خسارت شبه‌جرمی که بر آن دولت وارد شده باشد.^{۲۸}
- وایبو همچنین در این سند صراحتاً به بحث دادگاه نامناسب می‌پردازد و فاکتورهایی را بیان می‌دارد که در صورت وجود آنها دادگاه می‌تواند از اعمال صلاحیت خودداری کند. به عبارت دیگر این سند بر صلاحیت دولت‌ها برای اعمال صلاحیت همچون رویکرد اول تأکید می‌کند.

وایبو بیان می‌کند که دادگاه باید به این مسائل در رسیدگی خود دقت کند:

- اینکه رسیدگی موازی در دادگاه دیگری در حال انجام است یا خیر؛
 - آیا جبران خسارت در دادگاه دیگری قابل دستیابی است؛
 - چه قانونی بر این اختلاف حاکم است؛ و
 - مکان طرف‌های دعوا، شاهدان و خسارت در کجاست؟^{۲۹}
- بنابراین ما شاهد این امر هستیم که رویکرد وایبو به‌عنوان یک سازمان جهانی در زمینه مالکیت فکری که تقریباً تمام کشورهای جهان عضو آن هستند و این سند توسط کارشناسانی از کشورهای مختلف و با توجه به نظر اکثریت آنها تدوین شده است، رویکرد صلاحیت‌دی (رویکرد اول) مورد مقبولیت قرار گرفته است.

26. Ibid, part III- a.

27. Ibid, paras 15-18.

28. Ibid, paras 27-29.

29. Ibid, Paras 28 and 29.

نتیجه

باتوجه به اینکه اسنادی که در این مقاله به آن به عنوان نظر نهادهای بین‌المللی (دکترین حقوقی) در مورد مراجع صلاحیتدار در مورد دعاوی بین‌المللی حقوق مالکیت فکری مورد استناد قرار گرفته‌اند، در چند سال اخیر صادر شده‌اند، اهمیت جدید این سری از دعاوی در عرصه حقوق بین‌الملل خصوصی آشکار می‌گردد. سعی بر آن بوده است که رویکردهای تعیین دادگاه صلاحیتدار در این زمینه مشخص گردد.

هر کدام از طرح‌های پیشنهادی علی‌رغم تفاوت در رویکردها سعی در قاعده‌مند ساختن قوانین در مورد صلاحیت دادگاه‌ها دارند. از یک منظر اعمال رویکرد اول باتوجه به واگذاری صلاحیت به دادگاه برای عدم اعمال صلاحیت، می‌تواند در مواردی باعث حفاظت از منفعت و مصلحت عمومی آن جامعه گردد و به عبارتی منافع دولت مقر دادگاه در رسیدگی به فرد، محور توجه قرار گرفته است. سند وایپو و رویکرد اول که غالب طرفداران آن از کشورهای در حال توسعه و نیز نشانگر نظر اکثریت جامعه بین‌المللی است بر عقیده صلاحیت دادگاه برای اعمال و یا عدم اعمال صلاحیت است.

رویکرد اول که مورد تأیید سندی توسط یک سازمان جهانی از همه کشورهای جهان است، مقبولیت عام رویکرد اول را نشان می‌دهد. علت جامعه‌شناختی این امر را نیز این گونه می‌توان تحلیل کرد که غالب کشورهای آسیایی و در حال توسعه استفاده‌کنندگان از دستاوردهای فکری ثبت شده در کشورهای توسعه یافته هستند. این کشورها اغلب باتوجه به نداشتن یک نظام پیشرفته حقوقی برای حمایت از اموال فکری خارجی، ترجیح می‌دهند که در صورت نقض حق مالکیت فکری یک بیگانه در کشورشان، دادگاه‌ها صلاحیت و آزادی عمل در مورد رسیدگی به پرونده‌ها را داشته باشند. در مقابل دولت‌های پیشرفته مانند دولت‌های اروپایی و آمریکا همچون سند ماکس پلانک و مؤسسه حقوق آمریکایی بر عقیده همکاری بین دادگاه‌ها برای انتخاب بهترین دادگاه صلاحیتدار و جلوگیری از اطاله دادرسی و اعمال دادرسی عادلانه هستند.

در حالی که رویکرد دوم با نگاهی فردگرایانه سعی در پاسداشت منفعت فرد و جلوگیری از پایمال شدن حق او با توسل به لزوم همکاری بین دولت‌ها برای حل و فصل اختلافات دارد. این رویکرد باتوجه به بحث ارتباطات منطقی و حقوقی دادگاه با پرونده و نیز توجه به دولت محل ثبت، رسیدگی سریع‌تر به پرونده، جلوگیری از رسیدگی‌های موازی و رسیدگی مجدد به یک موضوع مؤلفه‌های دادرسی عادلانه را بهتر تأمین می‌کند که به نظر می‌رسد در آینده نزدیک نتوان محلی برای اعمال آن لاقلاً در قوانین داخلی کشورهای در حال توسعه و آسیایی پیدا کرد.

فهرست منابع

Dreyfuss. "The American Law Institute Project on Intellectual Property: Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law and Judgments in Transnational Disputes." In *Intellectual Property and Private International Law*, edited by S Leible, A Ohly. Tribingen: Mohr, 2009.

Executive Summary of the Draft Guide on the Intersection between Intellectual Property Law and Private International Law, to be published by the Hague Conference on Private International Law (HCCH) and the World Intellectual Property Organization (WIPO). WIPO/ACE/12/7 REV. The draft Guide is available (in English) at http://www.wipo.int/meetings/en/doc_details.jsp?doc_id=382036.

Gulf Oil Coip v Gilbeit, 330 US 501 (1947).

Hague Conference on Private International Law. Preliminary Draft Convention on Jurisdiction and Foreign Judgments in Civil and Commercial Matters, drafts at <http://www.hcch.net/e/conventions/draft36e.html> (Oct. 30, 1999).

International Law Association Sofia Conference. "Intellectual and Private International Law." Sofia, 2012.

International Law Association Washington Conference. "Intellectual Property and Private International Law." Washington, 2014.

International Law Association, Johannesburg Conference. "Intellectual Property and Private International Law." Johannesburg, 2016.

Kono, Toshiyukio (ed). *Intellectual Property and Private International Law: Comparative Perspectives*. Oxford: Hart, 2012.

The American Law Institute. *Intellectual Property: Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law and Judgments in Transnational Disputes*, Chestnut. ALI Publishers, 2008.

The European Max Planck Group on Conflict of Laws in Intellectual Property (CLIP). "Principles on Conflict of Laws in Intellectual Property." March 25, 2011. https://www.ip.mpg.de/fileadmin/ipmpg/content/clip/the_draft-clip-principles-25-03-20117.pdf.

The Principles of Private International Law on Intellectual Property Rights Finalized Jointly by Private International Law Scholars in Korea and Japan on October 14th (The Joint Japanese-Korean Proposal, Waseda Principles), 2010.

The Principles on International Intellectual Property Litigation approved by Korea Private International Law Association ('KOPILA Principles') on March 26th, 2010.

'Transparency of Japanese Law Project', with the Intention of Drafting a Proposal of Special Rules Dealing with Private International Law Aspects of IP Transparency of Japanese Law Project, 2009.